

تهیه جهیزیه برای ۸ نوعروس شرط بخشش قاتل

14 اردیبهشت 1404

زن میانسال که خواهان قصاص قاتل دخترش بود، وقتی خواب دید به حرم امام رضا(ع) رفته و قاتل نیز مقابل پای او به زمین افتاده و خواهان بخشش است، با یک شرط خداپسندانه حاضر به گذشت شد.

خرداد سال 94 پسری به کلانتری رفت و گفت: «من دختر مورد علاقه‌ام را کشته‌ام و الان هم جسدش داخل خودروام مقابل کلانتری است».

وی درباره انگیزه خود از این جنایت گفت: «من عاشق شقایق بودم اما مدتی بعد فهمیدم می‌خواهد با پسر دیگری ازدواج کند. هر چه اصرار کردم که با من ازدواج کند، فایده نداشت تا اینکه با او دعوایم شد و ناخواسته خفه‌اش کردم. حالا هم خیلی پشیمانم و خودم را تسلیم قانون کردم.»

حکم قصاص

به دنبال اظهارات پسر جوان، بلافاصله تحقیقات آغاز و به دستور بازپرس جنایی، جسد شقایق به پزشکی قانونی منتقل شد. با تکمیل تحقیقات، پرونده به دادگاه کیفری ارسال شد و متهم در دفاع از خود گفت: «از اتفاقی که افتاده بسیار پشیمان هستم، در زندان مدام برای مقتول خیرات می‌دهم تا روحش در آرامش باشد. خودم هم نمی‌دانم چرا با دختری که عاشقش بودم این کار را کردم.» اما اولیای دم خواهان قصاص بودند و باتوجه به درخواست آنها، قضات دادگاه رأی بر قصاص صادر کردند.

با وجود برگزاری جلسات صلح و سازش، مادر مقتول همچنان بر قصاص اصرار داشت اما وقتی متهم برای اجرای حکم پای چوبه دار رفت، اولیای دم به خاطر التماس‌های متهم و وساطت خیرین، به او مهلت دادند.

شرطی برای بخشش

با به پایان رسیدن مهلت، بار دیگر نام پسر جوان در لیست محکومان به قصاص قرار گرفت. اما ساعاتی مانده به اجرای حکم، مادر مقتول با مراجعه به زندان از قصاص قاتل دخترش گذشت و گفت: «نمی‌خواستم رضایت بدهم چون با خودم می‌گفتم وقتی دختر من زیر خاک است، چرا باید قاتل او زنده باشد. دفعه اول هم که مهلت دادم، به اصرار شوهرم بود. این بار می‌خواستم حکم را اجرا کنم تا اینکه شب گذشته خواب عجیبی دیدم. در حرم امام رضا(ع) بودم و قاتل دخترم خودش را روی زمین انداخته بود و با گریه و زاری از امام رضا(ع) می‌خواست ضامنش شود و او را نجات دهد. آن جا بود که خجالت کشیدم و با خودم گفتم وقتی امام رئوف را ضامن خودش کرده، من باید او را ببخشم. اما یک شرط دارم، من دلم می‌خواست دخترم را در لباس عروسی ببینم اما نشد. حالا از قاتل می‌خواهم جهیزیه 8 دختر دم بخت را که وضع مالی خوبی ندارند فراهم کند و هزینه سفر عروس و دامادها به مشهد را نیز

بپردازد.» با قبول این شرط از سوی قاتل، وی که از خوشحالی گریه می‌کرد، گفت: «من در تمام این مدت از امام رضا(ع) می‌خواستم که مرا نجات دهد و ضامن نجاتم شود. نذر کرده‌ام به محض آزادی به زیارت امام هشتم بروم.»

****مرضیه همایونی**